

«سیر تاریخ نگاری و فلسفه اجتماعی آن»

- ۴ -

((خواننده میر مورخ کلاسیک زبان فارسی))

دانشمندان و محققان بزرگ قصه های تاریخی را مانند شیمی، ریاضیات تجزیه و تحلیل میکنند، مورخان دانا و هوشمند تارو پود حادثه ها، واقعه ها را با کمال بی طرفی بازمی نمایند، در محاکمات تاریخی درست داور می کنند تا درس عبرت برای دانش پژوهان گردد، نسل معاصر و فردا از آنها پند گیرند، بنا بسخن دوست دانای ما :

از زمان بلغمی وزیر سامانیان که تاریخ طبری را از عربی بفارسی ترجمه نمود تا زمان سپهر که کتاب مفصل ناسخ التواریخ را تألیف کرد، کتاب های تاریخی بیشماری بزبان فارسی تألیف گردید، دسته ای از آن کتابها مفصل است، مشتمل است بوقایع تاریخی که در تمام جهان اسلامی اتفاق افتاده بود: دسته دیگر نسبتاً مختصر و جنبه محلی دارد، از وقایع يك بخش بخصوص، یا يك سلسله بخصوصی سخن میگوید. از حیث عبارت و الفاظ هم کتابهای تاریخی بزبان فارسی مختلف است بعضی از آن ها دارای عبارت های مشکل و مسجع و ادبی، برخی دیگر با عبارات ساده و روان تألیف شده است، مادر اینجا شرح احوال یکی از مورخان ایرانی را که آثار وی نمونه تکامل یافته تاریخ نگاری شمرده میشود می نگاریم.

مورخ کلاسیک زبان فارسی خواندمیر

یکی از مورخان مشهور ایران غیاث‌الدین محمد خواندمیر مؤلف کتاب بسیار مهم حبیب‌السیراست، در سال هشتصد و هشتاد هجری در شهر هرات تولد یافت. او نیز بنوبه خود از بزرگترین مورخان ایران میباشد. کتاب تاریخ روضة‌الصفاء از تاریخ‌های معتبر فارسی از تألیفات اوست نشوونما و تربیت خواندمیر بزمان سلطان حسین بایقرا از پادشاهان سلسله تیموریان ایران بر خورد کرد، مخصوصاً امیر علیشیر نوائی که از امیران معتبر سلطان حسین بایقرا بود، مورخ ما را مورد توجه و عنایت خاص خود قرار داد، در تربیت و ترقی کوشش نمود، شهر هرات در آن زمان مرکز حکومت سلسله تیموریان بود.

این حکومت اگرچه آن اندازه‌ها نیرومند نبود، در برابر حمله دشمنان بیگانه بسختی میتوانست ایستادگی نماید هر چند یک بار هم شورشهایی در گوشه و کنار کشور برپا میشد، برای فرونشاندن آنها و زیر اطاعت و انقیاد آوردن امیران و شاهزادگان باغی حکومت، بیشتر دو کشمکش و تلاش بود ولی از لحاظ گسترش دانش و هنر پیشرفت‌هایی که از حیث ادبیات و هنر بهره حکومت هرات شده بود، آن دولت بسیار مهم گردید، نام و شهرت آن تا به نقطه‌های دوردست جهان اسلامی رسید، بخصوص در بخش‌هایی که زبان فارسی و ادبیات آن مورد توجه قرار داشت باندیشه‌های نویسندگان و شاعرانی که در هرات بودند اهمیت بسیار داده میشد، خواندمیر هم اواخر دوره درخشان ادبی هرات را درک کرد و در آن محیط علم و ادب پرورش یافت.

از آثار تاریخی خواندمیر یکی بخش آخر هفتم روضة‌الصفاء است که پدرش پایان یافتن آن موفق نگشته بود، وی آن کتاب را بنا بوضعیت پدر تمام کرد، بعدها همین کتاب را مختصر کرد و آن را «خلاصة‌الخبار» نام نهاد، مشهورترین آثار خواندمیر کتاب مهم «حبیب‌السیر» میباشد، این کتاب را بنام کریم‌الدین حبیب‌الله اردبیلی استاد خود تألیف کرد و میتوان آن را از نمونه‌های تکامل یافته سیرت‌تاریخ‌نگاری فارسی و فلسفه اجتماعی دانست! گذشته از این‌ها خواندمیر کتابهای دیگری هم تألیف نموده که باین اهمیت و شهرت نمی‌باشد مانند کتاب «مأثر الملوك»، «دستورالوزراء»،

منتخب تاریخ و صاف و چند تألیف دیگر . پس از وفات سلطان حسین بایقرا پسرش میرزا بدیع الزمان نتوانست جلوه هجوم ازبک ها را بگیرد !

هرات و تمام خراسان بدست شیبک خان یا محمدخان شیبانی افتاد ، تمدن یکصدساله که در هرات تأسیس شده بود با استیلای ازبکان وحشی تقریباً از بین رفت پیشرفت شاه اسمعیل صفوی در خراسان و مغلوب و کشته شدن شیبانی هم آن رونق نخستین هرات را برنگردانید ! با این حال خواندمیر از اقامت در هرات دل سرد نشد خصوصاً که مرئی و ولی نعمت سابق وی امیر علی شیر نوائی هم چندی پیش در گذشته بود ، بنا بر این در سال نهصد و سی و دو هجری شهرت هرات را ترك کرد ، بهندوستان رفت ! در آنجا با بر ازبک ها ماندگان تیموریان و از دست ازبکان موفق بفرار شده بود سلطنتی برای خود بدست آورده بود ! خواندمیر در آگره بخدمت بابر رسید ! در جرگه حاشیه پادشاه تیموری داخل گردید ، در سفری که بابر به بنگال نمود خواندمیر هم همراه اردوی شاه حرکت کرد ، پس از مرگ بابر پسرش همایون خواندمیر را طرف توجه و عنایت خویش قرارداد ، وی نیز کتاب قانون همایونی را بنام پادشاه هند تألیف کرد . در سال نهصد و چهل و دو که در خدمت همایون بکجرات رهسپار شده بود در بین راه در گذشت جنازه اش را بدھلی بردند و در کنار آرامگاه امیر خسرو دهلوی بخاک سپردند ! !

باین ترتیب نثر فارسی در کنار شعر فارسی برای خود آرامگاه ابدی برگزید !

آثار و مؤلفات خواندمیر مانند تألیفات پدرش بسیار مشهورست ، بعد بزبان های اروپائی ترجمه شد ، ولی حبیب السیر از همه آنها مشهورتر است ، این کتاب که يك تاریخ عمومی است با عبارت هائی نسبتاً ساده و روان نوشته شده ، در این کتاب از تاریخ کشور ایران و کشورهای همسایه آن از زمان پیش از اسلام تا عصر خود مؤلف یعنی اوایل سلطنت شاه طهماسب اول صفوی بحث شده بود ، از تاریخ پیامبران و تاریخ پیش از اسلام هم تا آنجا که مؤلف آگاه بوده در آن کتاب سخن گفته ، تاریخ مغول را از زمان پیش از چنگیز خان تا دوره ایلخانان مغول در آن کتاب میتوان یافت ! ولی بطور قطع و

یقیناً بخش قابل توجه کتاب قسمت‌های آخر آنست ، مورخ وقایع حوادث عصر خود را در زمان تیموریان و سلسله های معاصر شرح میدهد ، در حوادث مهمی که منجر بانقراض سلسله تیموریان از ایران گردید مؤلف خود حاضر بود ، یا از حاضران شنید آن مطلب‌های جزئی را که از این کتاب بآنها اشاره شد در هیچیک از کتاب‌های دیگری نمیتوان پیدا کرد علش هم روشن است !!

چه نویسندگان متأخر آن قضایا دل بستگی نداشته بآنها اهمیت نداده اند و در کتابهای خود ننوشته اند در صورتیکه اکنون ما می بینیم که آن حادثه ها بسیار مهم است هر اندازه از آنها بیشتر نوشته میشد بهتر بود ما بوسیله آنها بهتر می توانستیم باوضاع واحوال آن زمان هایی بپریم! یکی از خصوصیت های کتاب حبیب السیر لحن معتدلانه ومؤدبانه است که مؤلف در عبارت های خود بکار برده ، جمله های تعرض آمیز درباره مردم در این کتاب تاریخی بسیار اندک است از شیوه کتاب روشن نمیشود که وی بکدام از یک از مذاهب های اسلامی بستگی داشته! شاید این هم یکی از مظاهر تربیت نخستین وی باشد که از دربار سلطان حسین با یقرا کسب کرده بود! با وجود اینکه آن دربار اهل سنت و جماعت بود درباره عقاید مذهب شیعه با سهل انگاری و احترام رفتار میکرد! کتاب معاد الملوك در سخنان پادشاهان و پیشوایان دین و حکیمان است که کلمات حکیمانه آنان را فراهم آورد .

این بود يك نمونه کلاسیک از تاریخ فارسی ، که یکی از مدرک‌های با ارزش در تاریخ ایران و یکی از کشورهای همسایه است ، ولی همان ضعف هائی که در کتابهای تاریخی است در این کتاب نیز موجود است !!

حادثه های مهمی که در این کتاب کلان شرح داده شده بیشتر عبارت است از شرح کلیات قضیه ها که دارای سود تاریخی محدودی میباشد ، از مفهوم ملیت بمعنای امروزی کلمه اثری نیست براستی باید داوری کرد که تاریخ حبیب السیر تاریخ سلسله های قرون وسطای است و نه تاریخ ملت ایران !!